



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۸، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۱-۴۰

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی با تکیه بر نظریه

موازنه تهدید استنفان والت

محمد بیدگلی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

اصغر رجیبی ده‌برزویی^۲

چکیده

هر چند که پیشینه مناسبات ایران و آلمان به دوران قاجار بازمی‌گردد، اما در دوره پهلوی اول با وقوع جنگ جهانی دوم و نیاز متقابل اقتصادی دو کشور به یکدیگر، آنان را بیش از پیش به هم نزدیک کرد و در دوره پهلوی دوم وجود تفاهم سیاسی و اقتصادی بین دو دولت در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی توسعه یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با اشغال سفارت آمریکا در تهران و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مناسبات سیاسی دو کشور را تحت تأثیر قرارداد، اگرچه بر مناسبات اقتصادی طرفین تأثیر چندانی برجای نگذاشت. یافتن پاسخ به این پرسش که مناسبات ایران و آلمان از دوره پهلوی اول تا پایان جنگ تحمیلی با تکیه بر نظریه موازنه تهدید استنفان والت هدف اصلی مقاله را شکل می‌دهد. فرضیه این مقاله با استفاده از روش اسنادی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌ای و با الهام گرفتن از نظریه موازنه تهدید استنفان والت بر این پایه استوار است که در دوره سلسله پهلوی روابط نسبتاً رو به رشدی را شاهد هستیم، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یک رشته موضوعات اختلاف‌انگیز مانند نقش آلمان در دستیابی عراق به سلاح شیمیایی، حقوق بشر، وجود اختلافات بر سر روند صلح خاورمیانه، برنامه هسته‌ای ایران، حمایت از بعضی از گروه‌های تروریستی و نقش منفی آمریکا در مجموع منجر به عدم برقراری روابطی با ثبات میان طرفین گردید.

کلمات کلیدی

آلمان، استنفان والت، ایران، پهلوی، سلاح شیمیایی

۱- گروه حقوق، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mohammad.bidgoli@yahoo.com

۲- گروه معارف، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. asgharrajabi021@gmail.com

روابط دیپلماتیک ایران و آلمان با گشایش سفارت ایران در برلین در سال ۱۸۸۵ میلادی به طور رسمی آغاز شد. تماس‌ها و تبادلات سیاسی و تجاری پیشین، آشنایی متقابل تاریخی و فرهنگی دو ملت و ضرورت‌ها و ملاحظات سیاسی مربوط به موازنه قوا میان دولت‌های اروپایی زمینه‌ساز این ارتباط گردید. آلمان تا پیش از جنگ جهانی اول رابطه چندانی با ایران نداشت. پس از جنگ جهانی اول ورود مواد خام از ایران و در مقابل صدور کالاهای صنعتی به آن، نشان‌دهنده علاقه آلمان به توسعه تجارت و خدمات حمل‌ونقل خود با ایران است. به نظر می‌رسد که شرکت‌های آلمانی در فاصله سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۸ میلادی که به احداث راه‌آهن برلین - بغداد اشتغال داشتند، این طرح عظیم و گسترده، موضوعی مناسب برای بحث درباره روابط آلمان با ایران در نظر قرار دادند. البته بانک ملی ایران و مشارکت آلمان در تأسیس آن برای گسترش روابط خارجی و نفوذ اقتصادی آلمان در ایران را نیز باید مد نظر قرار داد.

در آبان ۱۳۱۴ ه.ش دکتر یالمار شاخ^۱ وزیر اقتصاد هیتلر وارد تهران شد و در خلال مذاکرات او با مقامات ایرانی یک معاهده تجارتي پایاپای مهم در آذر ۱۳۱۴ ه.ش بین دو کشور منعقد شد. دولت آلمان در قبال کالاهای صادراتی ایران از قبیل پنبه، چوب، جو، برنج، چرم، قالی، خشکبار، خاویار، طلا و نقره تجهیزات صنعتی و ماشین‌آلات مختلف وسایل نقلیه موتوری به ایران صادر می‌کرد، صدها تکنسین، مشاور، معلم و تاجر آلمانی راهی ایران شدند و بسیاری از مناصب مهم و اساسی وزارت خانه‌ها و صنایع دولتی را در زمینه‌های مالی و معادن و فلاح و دارویی و ارتباطات احراز کردند. احداث خط آهن سراسری ایران که بندر شاپور را در خلیج فارس به بندر شاه در حوالی مرز ایران و شوروی متصل می‌ساخت تحت نظارت مهندسين آلمانی قرار گرفت. اگرچه بسیاری از ایرانیان تحت تأثیر کارایی آلمانی و ایدئولوژی آلمانی قرار گرفته بودند ولی برای شاه و دیدگاه ناسیونالیستی او، آلمان چیزی جز یک کشور خارجی دیگر نبود. (استوارت ۱۳۷۰: ۱۶). به نظر می‌آید که تا پیش از جنگ جهانی دوم هر دو کشور از نظر سیاسی همفکری می‌کردند و روابطشان بر احترام و اعتماد متقابل استوار بود. در سال ۱۹۳۸ اسمندآ، وزیر مختار آلمان در ایران، دو علت مؤثر سیاسی برای این پیشرفت برشمرد. اول، آلمان شریک مقبولی برای ایران بود و احساس می‌کرد با آن تاریخ و فرهنگ مشترک دارد. دوم، تمجید و تحسین رضاشاه از سیاست‌های هیتلر که آن را الگویی می‌دانست برای کارهایی که در ایران و جامعه آن پیش رو داشت. برخورد کاملاً دوستانه‌ای که رجال آلمانی مانند شاخ در ایران دیدند گواه انکارناپذیر روابط خوب دو کشور بود (خطیب شهیدی ۱۳۹۹: ۱۹۴). به طور کلی علی‌رغم ادعاهای مطروحه مبنی بر گرایش شخصی رضا شاه و خصوصیات و روحیات فردی به آلمان‌ها، او هیچ‌گاه از محدود تعیین شده توسط

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده‌برزونی

استعمار انگلیس خارج نشد. تا پایان جنگ جهانی دوم، تماس ایران با کشورهای اروپای غربی به چند کشور محدود بود، ولی سرانجام با انجام تحولات منجر به جنگ دوم جهانی و پیروزی‌های متناوب قوای آلمان، رضا خان بیش از پیش به آلمان‌ها نزدیک شد که نهایتاً با حمله متفقین و اشغال ایران در سال ۱۹۴۱ میلادی مقدمات خلع و تبعید وی فراهم شد.

پهلوی دوم که تحصیل کرده اروپا بود و شناخت بیشتری از توانمندی‌های اروپا داشت، سطح روابط خود را با بعضی از کشورهای قاره سبز ارتقاء داد و با بعضی دیگر روابط دیپلماتیک برقرار کرد. محمدرضاشاه در دو دهه آخر حکومت خود به خصوص پس از سال ۱۳۵۲، روابط ایران با کشورهای اروپای غربی و حتی تعدادی از کشورهای اردوگاه کمونیسم سابق را گسترش داد تا گزینه‌های سیاسی و اقتصادی خود که تا آن زمان بیشتر محدود به آمریکا بود را تنوع بخشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی کشور در مسیر استقلال و عدم وابستگی به دو بلوک شرق و غرب قرار گرفت. در این دوران روابط ایران و آلمان متأثر از فراز و نشیب روابط کلی ایران و غرب گردید. در عین حال آلمان از طرفداران گفتگو و ارتباط سازنده میان ایران و کشورهای اروپایی و غربی بوده است. هرچند در زمان جنگ عراق علیه ایران، آلمان صادر کننده سلاح‌های شیمیایی و مواد شیمیایی به رژیم صدام بود و آن سلاح‌ها در جنگ تحمیلی علیه کشور ما استفاده شد. در دهه ۱۹۸۰ یک رشته عوامل چالش برانگیز نظیر جنگ عراق بر علیه ایران که با کمک کشورهای اروپایی علی‌الخصوص آلمان به رژیم صدام همراه بود، بحث صدور انقلاب اسلامی ایران و نیز بازداشت گروگانهای غربی در لبنان موجب وخامت روابط ایران و اروپا شد.

یافتن پاسخ به این پرسش که مناسبات ایران و آلمان از دوره پهلوی اول تا پایان جنگ تحمیلی با تکیه بر نظریه موازنه تهدید استفان والت هدف اصلی مقاله را شکل می‌دهد. فرضیه این مقاله با استفاده از روش اسنادی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌ای و با الهام گرفتن از نظریه موازنه تهدید استفان والت بر این پایه استوار است که در دوره سلسله پهلوی روابط نسبتاً رو به رشدی را شاهد هستیم، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یک رشته موضوعات اختلاف انگیز مانند نقش آلمان در دستیابی عراق به سلاح شیمیایی، حقوق بشر، وجود اختلافات بر سر روند صلح خاورمیانه، برنامه هسته‌ای ایران، حمایت از بعضی از گروه‌های تروریستی و نقش منفی آمریکا در مجموع منجر به عدم برقراری روابطی باثبات میان طرفین گردید.

پیشینه پژوهش

در خصوص مناسبات سیاسی، اقتصادی ایران و آلمان از دوره پهلوی اول تا پایان جنگ تحمیلی هم از جهت نظری و هم تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندان قوی ندارد؛ به‌ویژه از دیدگاه استفان والت که معدودی

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱

مقاله، همه‌ داشته‌های ما در این حوزه را شامل می‌شود. در این خصوص پژوهش‌هایی توسط اندیشمندان و پژوهشگران دانشگاه صورت گرفته است که در جدول زیر به برخی از آن‌ها که در برخی جنبه‌ها به این پژوهش نزدیک‌تر بودند اشاره شده است:

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
شیرازی- خبازی ۱۳۹۳ توصیفی تحلیلی	مطالعه تطبیقی سیاست خارجی آلمان در دوران شرویدر و مرکل در قبال جمهوری اسلامی ایران	روابط بین دو کشور در دوران مرکل در قیاس با دوران شرویدر، به سردی گراییده، انجام گرفته و نهایتاً با ارائه داده‌ها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر و نیز با ارائه شاخص‌های بهبود روابط در دوره شرویدر و سردی روابط در دوره مرکل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.
نوردالدین- کجیاف ۱۳۸۹ توصیفی تحلیلی	روابط ایران و آلمان ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۸ م/ ۱۲۷۴ تا ۱۳۳۶ ه ق	معتقد بودند با واگذاری امتیازات تجاری و اقتصادی آلمان‌ها را در امور ایران درگیر کنند و استقلال و تمامیت ارضی کشور حفظ گردد.
خودنگاه- کیانی ۱۳۹۹ توصیفی تحلیلی	ایران و سیاست موازنه‌گرایی آلمان	آلمان با به کارگیری نوعی سیاست توازن میان تعقیب منافع ژئوپولیتیکی خود در رابطه گسترش مناسبات با ایران و پایبندی به تعهدات فراتلانتیکی به آمریکا و مسئولیت تاریخی خود نسبت به اسرائیل، توانسته است تا رهبری سیاست خارجی اتحادیه اروپا را در برقراری تعامل با ایران بدست آورد.
اطاعت- رضایی ۱۳۹۱ توصیفی تحلیلی	بررسی تحلیلی تحولات روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان	ضمن امکان سنجی فرصت‌های سیاسی- اقتصادی متقابل، اختلافات، موانع سیاسی حاکم و منافع مشترک میان دو کشور را مورد واکاوی قرار می‌دهد.
رفیع- عباس زاده ۱۳۹۷ توصیفی تحلیلی	بررسی روابط ایران و آلمان در عصر پهلوی	مساله بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ جهانی اول در آلمان، روابط دو کشور در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی گسترش یافت
رنجبردار- آقایی ۱۳۹۷ تبیینی و با استناد به آمار و تحلیل	اقتصاد سیاسی روابط دوجانبه آلمان و ایران: مطالعه موردی سرمایه‌گذاری خارجی	از طریق بررسی روند ۲۰ ساله سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی در ایران، تأثیر عوامل سیاسی مهم در روابط دوجانبه بر میزان در ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی به‌ویژه پس از تحریم‌ها و خروج ایالات‌متحده از برجام بررسی گردد.
سنایی- امیری و احمدی ۱۳۹۴ توصیفی تحلیلی	روابط ایران و آلمان-نگاهی به آینده	در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اشغال سفارت آمریکا در تهران، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام خمینی (ره) و ماجرای دادگاه میکونوس تا اواسط دهه ۷۰ شمسی مناسبات سیاسی دو کشور را تحت تأثیر قرارداده است.

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده‌برزئی

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین

منظور از نوآوری یعنی به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا پژوهشی جدید. اساس علم سیاست و مبنای نهایی تحقیق سیاسی، ساختارسازی و چارچوب بندی مواد خام است. تفاوت یک عالم سیاسی متوسط و یک عالم سیاسی برجسته، صرفاً در مهارت و دقت در جمع‌آوری مواد خام نیست که البته این خود استوانه مهمی در فهم است، بلکه در فرآیند مفهومی و نظری است که عالم برجسته به‌سوی یک ساختار عمیق‌تر عملی سوق می‌یابد (سریع القلم ۹: ۱۳۸۰). همان‌طور که در جدول فوق دیده می‌شود پژوهش‌هایی در خصوص روابط ایران و آلمان توسط پژوهشگران مختلف صورت گرفته است، اما مقاله پیش رو به واکاوی مناسبات سیاسی، اقتصادی ایران و آلمان از دوره پهلوی اول تا پایان جنگ تحمیلی با تکیه بر نظریه موازنه تهدید استفان والت می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به واکاوی مناسبات سیاسی، اقتصادی ایران و آلمان از دوره پهلوی اول تا پایان جنگ تحمیلی با تکیه بر نظریه موازنه تهدید استفان والت می‌پردازد. برای جمع‌آوری اطلاعات، روش اسنادی و مبتنی بر تفسیر متن مورداستفاده قرار گرفته است. روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیرمراحم و غیرواکنشی به شمار می‌آید. مراجعه به اسناد و مدارک در پژوهش‌های تاریخی یا بررسی‌هایی انجام می‌شود که موضوع آن‌ها، مطالعه پژوهش‌های پیشین درباره پدیده‌های موجود است یا پژوهش‌هایی که موضوع آن‌ها این مراجعه را ایجاب می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۲۵۴). در این روش دو مرحله گردآوری و سپس تحلیل، تبیین و داوری، قابل تصور است. دستاوردهای این پژوهش از نوع کاربردی است.

چارچوب نظری: موازنه تهدید

نظریه موازنه قدرت دارای آنچنان صلابت بنیادی است که نمی‌توان فرضیات آن را کاملاً مردود شمرد. هنوز هم این نظریه پنجره‌هایی از واقعیت را به روی پژوهشگران می‌گشاید (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۲۴۷). واقع‌گرایی یکی از قدیمی‌ترین نگرش‌ها در عرصه توضیح و تبیین مسائل بین‌المللی می‌باشد مهم‌ترین ویژگی روش‌شناسی واقع‌گرایان در مفروضاتی نهفته است که عبارت‌اند از: دولت را می‌توان به‌عنوان یک بازیگر یا کنشگر در نظر گرفت، دولت همچون فرد از هدف و جهتی برخوردار است و در دولت کنش عقلانی وجود دارد زیرا امنیت هدف اصلی سیاست خارجی تلقی می‌شود از دیدگاه واقع‌گرایانی چون کنت والتز، دولت‌ها تنها بازیگران در عرصه جهانی هستند که در پی منافع ملی‌اند، از این‌رو امنیت ملی با قدرت این بازیگران ارتباط مستقیم دارد (دویچ، ۱۳۷۵، ۲۴۱). والتز می‌گوید به‌طور رسمی هر دولتی با سایر

دولت‌ها برابر است، هیچ‌کس حق امرونی به آن را ندارد و مجبور به اطاعت از هیچ‌کس نیست. استقلال نه تنها یک حق است بلکه هنجاری است که مورد پذیرش واقع شده است و بنابراین هنجاری برای برابری حاکمیت دولت‌ها است چراکه گفتن اینکه دولت‌ها از لحاظ قانونی یا رسمی با دیگر دولت‌ها برابر هستند نه تنها به لحاظ تجربی پذیرفته شده است بلکه از نظر هنجاری نیز مورد پذیرش واقع شده است (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۰، ۱۱۶). واقع‌گرایان از سیاست جهان تصویر نسبتاً تیره‌ای ترسیم می‌نمایند. از نظر آن‌ها نظام بین‌الملل میدان مبارزه است که در آن کشورها به صورت بی‌رحمانه‌ای به دنبال فرصت‌های می‌باشند تا بتوانند از یکدیگر بهره برده و امتیاز بگیرند که اعتماد جای در این عرصه ندارد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۶۲). واقع‌گرایان معتقدند چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند قادر بر انجام هیچ کاری نخواهد بود تحت این شرایط نیروی نظامی کارآمد برای حمایت دیپلماسی، سیاست خارجی و در نهایت تأمین امنیت ضروری است در مقایسه با توانایی نظامی، توانایی اقتصادی نقش کمتری را در امنیت ملی ایفا می‌کند (قوام، ۱۳۸۴: ۳۵۷).

عدم تحقق فرضیه موازنه قوا علیه ایالات متحده پس از جنگ سرد یکی از متفکران نظریه نئورئالیسم که بعدها به نئورئالیسم^۴ واقع‌گرا معروف شد، به نام استفان والت را به سوی جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد. او معتقد است که غیرعادی بودن عدم موازنه دولت‌ها در برابر آمریکا، هنگامی که تمرکز را نه بر قدرت بلکه بر تهدید بگذاریم از بین می‌رود. بنابراین، به اعتقاد وی قدرت‌ها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند، در مقابل، آنچه باعث می‌شود کشورها به توازن روی آوردن، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. از نظر والت دولت‌ها در مقابل درک تهدید دو نوع سیاست را در پیش می‌گیرند، اول آنکه کشور یا کشورهایی که مورد تهدید واقع شده‌اند به خاطر وجود تهدید و بر اساس اصل توازن تهدید به توازن دست می‌زنند و یا اینکه کشور و یا کشورهای مورد تهدید سیاست همراهی را در پیش می‌گیرند، یعنی به منظور حفظ و تأمین امنیت خود با طرف تهدیدکننده متحد می‌شوند. در رابط باحالت نخست، والت معتقد است در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت یا قدرت‌های برتر علاوه بر متغیر قدرت (توانایی)، سه متغیر دیگر نیز تأثیرگذار هستند. او استدلال می‌کند ائتلاف‌های توازن دهنده در قبال تهدید شکل می‌گیرند، تهدیداتی که می‌توانند از قدرت (توانایی)، مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیت تهاجمی نشأت بگیرند. موارد شده به‌مثابه متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شود که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌کشاند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱).

در علم روابط بین‌الملل موضوعی داریم به نام موازنه تهدید که مبدع آن استفان والت از نظریه پردازان

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده‌برزویی

روابط بین‌الملل است. والت معتقد است کشورها با چهار مزیت نزدیکی جغرافیایی، توزیع امکانات، توانایی تهاجمی و درک نیت تجاوز قادر هستند تهدیدات خارجی را تحلیل یا به ارائه تهدید اقدام کنند. موازنه در چارچوب نظری والت بر اساس نیاز به ترس شکل می‌گیرد، نه انباشت صرف قدرت. آنچه تعادل را ایجاد می‌کند، نیت خصمانه به معنای تلاش برای جایگزینی قدرت برتر است. در تعریف والت، دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت نسبی خود بر سایر دولت‌ها هستند، در غیر این صورت دولت‌ها به جایی می‌رسند که برای جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری یا شکست، باید با قدرت فزاینده تسلیم یک متجاوز شوند (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۷). والت باور دارد که کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی‌کنند بلکه توازن تهدید را ملاک قرار می‌دهند مطالعات والت که بر روند اتحادها و اتحادهای قرن بیستم متمرکز است، ثابت کرد که ملت‌ها علیه قدرت نیستند، بلکه علیه تهدیدی هستند که متعادل کرده‌اند. هدف آن‌ها ایجاد شرایط لازم برای ثبات، امنیت و تعادل با ایجاد تعادل در برابر کشورهای تهدیدکننده است. بنابراین عامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها بر اساس میزان تهدیداتی است که بازیگران رقیب برای افزایش قدرت و امنیت خود به ضرر سایر کشورها ایجاد می‌کنند (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

پیشینه روابط ایران و آلمان

نداشتن سابقه استعماری در ایران، هم‌ریشه بودن دو ملت و مسائلی از این دست، باعث شد آلمان‌ها وجهه‌ای مثبت نزد افکار عمومی ایرانیان داشته باشند. روابط دیپلماتیک آلمان و ایران از سال ۱۸۵۰ دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه، آغاز شد. در سال ۱۸۵۷ اتحادیه گمرکات آلمان با ایران قرارداد دوستی و تجارت امضا کرد و سپس دولت آلمان در شهرهای تهران، تبریز، مشهد و بوشهر کنسولگری تأسیس کرد. اندکی بعد اتو بلائو^۵ با سمت نماینده کشور سلطنتی پروس وارد ایران شد و اولین وزیر مختار این دولت در ایران به فعالیت پرداخت و از حقوق کنسولی برون‌مرزی برخوردار شد (خطیب شهیدی ۱۳۹۹: ۹). طی جنگ جهانی اول آلمانی‌ها از جنبش مقاومت ملی ایران و حکومت موقتی که به ریاست نظام‌السلطنه مافی در کرمانشاه تشکیل شده بود، در مقابل روسیه و انگلیس حمایت کردند. از جمله واسموس^۶ در ۱۹۱۵ میلادی با تنگستانی‌ها بر ضد انگلیسی‌ها همکاری می‌کرد. در دوران سلطنت رضاشاه و حکومت جمهوری وایمار در آلمان به علت فعالیت اپوزیسیون ایران در آلمان علیه رضاشاه روابط طرفین مشکلاتی داشت اما همکاری اقتصادی دو کشور تداوم یافته و روبه رشد گذاشت. از سال ۱۹۳۳ و پس از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان مناسبات دو کشور به سرعت گسترش یافت، به گونه‌ای که تا سال ۱۹۳۷ آلمان مقام اول را در تجارت خارجی ایران کسب کرد. رسوخ و رخنه آلمان در صنایع راه‌آهن و خطوط هوایی و نظامی ایران، آن کشور را به بانفوذترین قدرت خارجی در کشور مبدل کرده بود. آلمان فدرال توانست در سال

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱

۱۹۵۴ در زمره معامله‌گران تراز اول با ایران درآید و در سال ۱۹۵۷ مقام نخست را حائز گردد. آلمان فدرال تا سال ۱۹۷۴ مقام اول را در زمینه واردات کالا به ایران داشت و تنها از سال ۱۹۷۵ بود که ایالات متحده آمریکا جای این کشور را گرفت (هوشنگ مهدوی ۱۳۸۴:۴۲۱-۴۲۰).

گسترش روابط خارجی آلمان با ایران در نیمه اول قرن بیستم میلادی را می‌توان در سه مرحله بیان کرد. مرحله اول که از پیش از جنگ جهانی اول آغاز شده بود و در نتیجه جنگ و معاهده ورسای از هم پاشید موفقیتی نداشت. مرحله دوم که واجد اهمیت بود از حدود سال ۱۳۰۳ شروع شد و مشخصه آن انتصاب لیندنبلات^۷ به سمت مدیر بانک ملی ایران، انتصاب همکارش اشنیویند^۸ به سمت مشاور مالی دولت ایران، بستن قرارداد با شرکت‌ها و کنسرسیوم‌های آلمانی برای احداث راه‌آهن سرتاسری ایران، برقراری مجدد روابط تجاری بین آلمان و ایران و اعطای امتیازات همه‌جانبه پرواز در ایران به شرکت یونکرس^۹ بود. سومین مرحله رابطه ایران و آلمان از دستاوردهای قرارداد تجاری سال ۱۳۱۴ بود. در این مرحله آلمان شریک تجاری عمده ایران بدل شد که تا تجاوز روسیه و بریتانیا به ایران در سال ۱۳۲۰ به طول انجامید (خطیب شهیدی ۱۳۹۹: ۱۹۳).

پس از تشکیل جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۴۹ کالاهای آلمان غربی یک‌بار دیگر به سوی بازارهای ایران سرازیر شد و در سال ۱۹۵۷ مقام نخست را در زمره معامله‌گران طراز اول با ایران را در دوره محمدرضا شاه را کسب کرد. شرکت‌های آلمانی کوشش داشتند هرچه بیشتر به بازارهای ایران رخنه کنند و بدین منظور اعتبارات درازمدت در اختیار بازرگانان ایرانی می‌گذاشتند. همچنین تعداد زیادی از کارگران ایرانی در آلمان آموزش حرفه‌ای می‌دیدند که رقم آن‌ها به سه هزار نفر بالغ می‌شد. در ایران نیز آلمان برای آموزش کارگران اقدام به تأسیس مدارس حرفه‌ای کرده و به احداث دو نیروگاه اتمی در بوشهر همت گماشته بود. ضمناً در مورد احداث چهار نیروگاه اتمی دیگر با آلمان توافقنامه امضا شده بود که محل یکی از آن‌ها در اصفهان بود (هوشنگ مهدوی ۱۳۸۴: ۴۲۱-۴۲۰).

روابط سیاسی آلمان با ایران در دوره پهلوی

ایران همان‌طور که در جغرافیای سیاسی از موقعیت ممتازی برخوردار است، در جغرافیای اقتصادی جهان نیز دارای ظرفیت‌های کم‌نظیری است. ایران پل ارتباطی طبیعی آسیای غربی با آسیای شرقی و اروپا به شمار می‌آید. ایران به واسطه دسترسی به کشورهای اوراسیا از شمال، کشورهای آسیای میانه از شرق و داشتن مرز زمینی با ترکیه و همچنین استفاده از قسمتی از جاده ابریشم از جایگاه ممتازی در ترانزیت جهانی برخوردار می‌باشد. پیوندهای دینی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی از یکسو و وزنه جمعیتی منابع انرژی، سواحل طولانی جمهوری اسلامی ایران را به شریک طبیعی کشورهای همسایه و سایر

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده برزویی

کشورهای جهان تبدیل نموده است. ایران در مقام یکی از تولیدکنندگان عمده نفت و گاز از جمله قدرت‌های طراز اول جهانی در عرصه انرژی محسوب می‌شود که در نظم بین‌المللی اقتصادی آینده، از نقش شاخصی در تعاملات جهانی انرژی برخوردار خواهد شد. رشد و توسعه اقتصادی، علمی و صنعتی ایران نقش محوری در تبدیل کشور به قدرت منطقه‌ای و بازیگر بین‌المللی تبدیل کرده است (دریایی ۱۳۹۲: ۲۲۲).

ایران در گذشته برای اصلاح امور تجاری خود در جستجوی قدرتی غیر از روسیه و انگلستان بود. آلمان نیز برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی در اروپا نیازمند نفت ایران و خاورمیانه بود. علاوه بر این ضدیت دو کشور ایران و آلمان با روسیه و انگلستان موجب نزدیکی دو کشور به یکدیگر شد و در مدت کوتاهی آلمان به‌عنوان نخستین رقیب تجاری انگلستان و روسیه تبدیل شد. همچنین تمایل ایران برای ورود نیروی سوم در مقابل انگلستان و روسیه زمینه مناسب برای نزدیک شدن ایران به آلمان و شکل‌گیری روابط سیاسی گسترده میان دو کشور را فراهم کرد. روابط ایران و آلمان در فاصله جنگ جهانی اول و دوم بسیار گسترش یافت. رضاشاه به دلیل برخی از تصورات سیاسی درباره آلمان و نیز تبلیغات گسترده آلمان مبنی بر وجود اشتراکات فراوان همچون نژاد آریایی میان دو کشور، روابط گسترده‌ای را با این کشور آغاز کرد. این روابط نقش مهمی در کاهش روابط ایران با سایر کشورها و رشد فزاینده روابط با آلمان داشت، چنان‌که با گسترش روابط دو کشور، آلمان توانست جای کشورهای چونی شوروی و انگلیس را در روابط تجاری و اقتصادی با ایران بگیرد.

روابط اقتصادی آلمان و ایران در دوره پهلوی

آلمان در پنجاه سال گذشته همواره جزء بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران بوده است. بسیاری از صنایع ایران از جمله داروسازی، غذایی، نفت و گاز، نیروگاهی و آب بر پایه صنایع آلمان ساخته شده است. کالاهای صادراتی ایران به آلمان شامل تولیدات کشاورزی و مواد غذایی همچون زعفران، خاویار، انواع خشکبار و میوه‌های تازه، داروهای گیاهی، مواد معدنی، سوخت‌های معدنی نظیر زغال سنگ، منسوجات (فرش و قالی)، مواد مصنوعی پلاستیکی، فولاد و آهن‌آلات و محصولات شیمیایی می‌باشد. مهم‌ترین اقلام صادراتی آلمان به ایران را نیز ماشین‌آلات، محصولات الکترونیکی، دارو و تجهیزات پزشکی، انواع خودرو، مواد مصنوعی پلاستیکی، کالاهای فولادی و آهنی تشکیل می‌دهند.

پیشینه روابط تجاری و اقتصادی ایران و آلمان به بیش از یک‌صد سال قبل و به دوره پهلوی اول بازمی‌گردد. بر این اساس در سال ۱۹۳۴ سهم آلمان در کل تجارت خارجی ایران ۹ درصد بود. این رقم در سال ۱۹۳۹ به ۳۹ درصد و در سال ۱۹۴۰ به ۴۵/۵ درصد افزایش یافت. بدین ترتیب این کشور مقام اول در تجارت خارجی ایران را دارا شد و شوروی را با ۱۱ درصد به مقام سوم و انگلستان را با ۱۷ درصد

به مقام دوم عقب راند. البته نقطه عطف مهم میان روابط دو کشور در سال ۱۳۱۴ به وجود آمد. با این حال ذکر این نکته هم ضروری است که روابط دو کشور تنها محدود به مسائل اقتصادی نبود، بلکه ابعاد دیگر را نیز شامل می‌شد. بین سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۱ آلمان نازی حدود ۹۰ درصد از احتیاجات تسلیحاتی و نزدیک به ۸۰ درصد از نیازهای صنعتی ایران را تأمین می‌کرد؛ به عبارت دیگر، آلمان بین سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰، انحصار فروش محصولات صنعتی، نظامی، دارویی و الکترونیکی را در اختیار داشت. در مقابل، دولت ایران حدود ۶۰ درصد پنبه مورد نیاز آلمان را تأمین می‌کرد. تعامل اقتصادی ایران و آلمان تنها به دادوستد دو کشور محدود نبود، بلکه بخش مهمی از نتایج این تعاملات، به تأسیس کارخانجات و صنایع به‌ویژه صنعت نساجی، گسترش راه‌آهن و بخش صنعتی ایران منجر شد.

آلمان یکی از مشوقان و سرمایه‌گذاران مهم در صنایع ایران به‌ویژه صنعت نساجی بود؛ چنان‌که اولین کارخانه نساجی ایران، یعنی کارخانه نساجی شاهی (قائم‌شهر) که در سال ۱۳۰۹ افتتاح شد، با حمایت مستقیم آلمان همراه بود. این کارخانه در دو بخش تولید نخ و پارچه فعال بود. چند سال بعد هم واحدهای سفیدگری و رنگرزی به این کارخانه اضافه شد که دستگاه‌های آن از کارخانه اونیون ماتکس^{۱۰} آلمان خریداری شده بود (وشمه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۵). کارخانه بعدی یعنی کارخانه نخ‌ریسی شاهی (علی‌آباد سابق) با سرمایه‌گذاری مستقیم آلمان تأسیس و در سال ۱۳۱۱ افتتاح شد. در همین زمینه می‌توان به شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی شهرضا (نخ باف اصفهان) هم اشاره کرد که در سال ۱۹۳۵، با سرمایه اولیه سه میلیون و ششصد هزار ریال به ثبت رسید. طراحی و اجرای این واحد تولیدی نیز به دست آلمانی‌ها و سرپرست آن مهندس نیمگر^{۱۱} آلمانی بود. آلمانی‌ها علاوه بر صنعت نساجی ایران، در تأسیس بسیاری از کارخانجات ایران نیز سهیم بودند. آن‌ها در پروژه‌هایی متعددی شرکت و چندین کارخانه در این زمینه تأسیس کردند. از جمله این کارخانه‌ها می‌توان به کارخانه هارتونیان^{۱۲} مشهد اشاره کرد که در سال ۱۹۳۴ افتتاح شد و مانند بسیاری دیگر از کارخانه‌های این دوره، ماشین‌آلات این کارخانه هم از آلمان خریداری شده بود. محصول این کارخانه نخ‌های پشمی بود که به مصرف قالی‌بافی می‌رسید (وشمه و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵۶). همچنین در سال ۱۳۱۴، دو سال بعد از به قدرت رسیدن نازی‌ها، هیأتی اقتصادی از ایران به برلین رفت و با نمایندگان کمپانی فروشتال^{۱۳} گفت‌وگو کرد. متعاقب گفت‌وگوهای طرف ایرانی مذاکره که محمود بدر بود، مقرر شد کنسرسیومی صنعتی متشکل از کمپانی‌های بزرگی مثل کروپ^{۱۴}، زیمنس^{۱۵}، «آ.ا.گ» (AEG)، «م.آ.ان» یا «مان» (MAN) همراه با چند مؤسسه بزرگ صنعتی دیگر دایر شود (آبادیان، ۱۳۹۲: ۱۰). گذشته از این موارد، آلمان‌ها در صنایع کاغذسازی، چای خشک‌کنی و شیشه‌سازی ایران هم فعال بودند. البته درباره سرمایه‌گذاری آلمان در این

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده برزویی

پروژه‌ها باید به چند نکته اساسی توجه کرد: اول آنکه انگلستان به‌رغم دشمنی و رقابت سیاسی با آلمان، نه تنها مشکلی با مشارکت این کشور در امور تجاری و اقتصادی ایران نداشت، بلکه در مواردی مشوق نیز بود. چمبرلین^{۱۶}، نخست‌وزیر انگلیس، از جمله این افراد بود. به باور چمبرلین آلمان از این طریق می‌توانست بخشی از نیازهای مواد خام خود را از ایران تأمین کند و بدین ترتیب چشم از مستعمرات انگلستان فرو گیرد و در عین حال نفوذ اقتصادی آلمان در ایران می‌توانست به‌عنوان جانشین نفوذ روسیه و سدی در مقابل خطر توسعه کمونیسم در خاورمیانه و هندوستان به کار گرفته شود (ازغندی ۱۳۸۷:۸۰).

روابط ایران و آلمان پس از انقلاب اسلامی

مناسبات ایران و آلمان پس از انقلاب اسلامی ایران به‌شدت تحت‌الشعاع تحولات بزرگ سیاسی و فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ قرار گرفت (سنایی، ۱۳۹۴:۲). متأثر از اختلاف‌نظرهای بنیادین و به‌منظور حل‌وفصل آن‌ها، گفتگوهای انتقادی و سپس گفتگوهای سازنده بخش بزرگی از مناسبات ایران و اروپا/آلمان را شکل می‌داد (عباسی، ۱۳۹۲:۲۰). از بحران اشغال سفارت آمریکا در تهران تا نیمه دهه ۷۰ هجری شمسی مناسبات سیاسی و به‌تبع آن روابط در دیگر حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر عواملی چون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فتوای امام خمینی (ره) در خصوص سلمان رشدی و یا ماجرای میکونوس با چالش‌های جدی مواجه بود (نیلی و مالکی، ۱۳۹۹:۱۳۶). روابط ایران و اروپا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تنگناهای منحصر به فردی را شاهد بوده که دلیل عمده آن عدم پذیرش واقعیات جدید بعد از انقلاب توسط اروپایی‌ها و دشمنی با نظام جمهوری اسلامی بوده است. اگرچه اروپائیان در مراحل اولیه با نهضت اسلامی و مردمی در ایران هم‌رایی نسبی کردند ولی با تثبیت اولیه نظام اسلامی، تدوین قانون اساسی و اعلام آرمان‌ها و راهبردهای ایران انقلابی به‌ویژه شعار نه شرقی و نه غربی توأمان با صدور انقلاب اسلامی و حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش به‌ویژه نهضت‌های اسلامی و مبارزات ملت فلسطین، اروپا همراه با دوقطب اصلی جنگ سرد مواضع جدیدی را نسبت به ایران اتخاذ کردند که نماد اولیه آن را با شروع جنگ تحمیلی عراق و حمایت برخی از کشورهای اروپایی از عراق شاهد بودیم. در خصوص روابط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان اشاره داشت که موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه نظیر نقطه اتصال غرب به شرق، اتصال کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد و کریدور اتصال غرب به شرق بسیار حیاتی است و ارتباط نزدیک ایران و آلمان می‌تواند، میان کل منطقه و اروپا ارتباط نزدیک‌تری برقرار کند و ایران قادر است با توجه به وجود راه‌آهن و راه‌های توسعه‌یافته در صورت سرمایه‌گذاری به‌عنوان مرکز تولیدات برای منطقه و کشورهای هم‌جوار ایفای نقش کند. از مهم‌ترین موضوعات این دوره می‌توان به برنامه‌های دول اروپایی در تبعیت از آمریکا در اعمال مقررات

محدودکننده علیه کشورمان تحت لوای موضوعات چالشی حقوق بشر، تروریسم، برنامه صلح آمیز هسته‌ای، توان نظامی و دفاعی به‌ویژه ظرفیت موشکی و پهپادی، بحران‌های متنوع خاورمیانه‌ای به‌ویژه موضوع فلسطین و حمایت از عراق در جریان جنگ عراق علیه ایران اشاره کرد. اروپایی‌ها در جنگ تحمیلی همه گونه کمکی را به صدام کردند؛ آلمان‌ها به عراق در تولید بمب شیمیایی کمک کردند، موضوعی که همچنان ابعاد خطرناک آن مورد توجه سازمان‌های مردم‌نهاد و انسان‌دوستانه هم در ایران و هم در اروپاست.

عوامل تقویت‌کننده روابط ایران و آلمان

ایران و آلمان به‌واسطه موقعیت و امکانات منطقه‌ای و جهانی ظرفیت بالایی برای همکاری با یکدیگر و ایجاد روابط دوجانبه‌ویژه دارند که تأمین‌کننده منافع هر دو و ارتقاء بخش جایگاه آنان در نظام بین‌الملل می‌باشد که می‌توان در مجموع عوامل تقویت‌کننده مناسبات دو کشور را در موارد ذیل بیان کرد. از مهم‌ترین عوامل نزدیکی در روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و آلمان می‌توان به وجود اراده سیاسی در رهبران دو کشور، همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های امنیت انرژی و حمل‌ونقل و تجارت اشاره کرد.

وجود اراده سیاسی در رهبران دو کشور

دو کشور ایران و آلمان از روابط دیرینه‌ای برخوردار بوده و بین مردم دو کشور نیز روابط خوب و تاریخی برقرار است. میان تجار ایرانی و جامعه بازرگانی آلمان اعتماد متقابل وجود دارد. از دید مسئولین ارشد دو کشور اکنون زمان آن فرارسیده که ایران و آلمان همکاری‌های اقتصادی و تجاری خود را توسعه و ارتقاء دهند و طبیعتاً همکاری‌های بانکی یکی از راه‌ها و زمینه‌ساز گسترش روابط اقتصادی و تجاری میان دو کشور است. به‌نظر می‌رسد ایران می‌تواند یک شریک قابل‌اعتماد برای تولید مشترک کالا و صادرات آن به کشورهای منطقه به‌ویژه به آسیای میانه باشد و آلمان نیز شریک مطمئنی برای تبادلات انرژی ایران باشد. در خصوص جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که به دلیل ارتباط آبی و خاکی گسترده میان مرزهای ایران با سایر کشورهای منطقه، از توان سوق‌الجیشی بالایی در حوزه اقتصادی برخوردار است. نیروی انسانی و جوان کشور که بخش عمده‌ای از آن تحصیل کرده و دارای توان فنی بالا هستند، جزو ظرفیت‌های بالقوه ایران امروزی باشند که برای سرمایه‌گذاران خارجی فرصت مغتنمی ایجاد خواهد کرد.

امنیت انرژی

با توجه به اهمیت نفت در تهیه انرژی و به‌عنوان نیرومحركه همه صنایع و وسایل حمل‌ونقل و همین‌طور به‌عنوان ماده اولیه تولیدی بسیاری از کالاهای بنیادی و اساسی در جهان که ابعاد گسترده آن از تولید لاستیک گرفته تا تهیه انواع داروهای شیمیایی، پوشاک، کالاهای صنعتی و حتی مواد غذایی و

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده‌برزویی

غیره را در برمی‌گیرد، نفت در طی قرن بیستم در حقیقت عامل بسیار مهمی در تحولات نظامی، سیاسی و اقتصادی جهان بوده و برای سال‌های قابل پیش‌بینی نیز چنین خواهد بود (الهی ۱۳۸۸: ۲۶). انرژی (نفت و گاز) یکی از مباحث مهم و سرنوشت‌ساز در بحث امنیت و منافع ملی ایران و آلمان است. آلمان به‌عنوان یکی از کشورهای واردکننده نفت و گاز می‌تواند با سرمایه‌گذاری در این صنعت و با همکاری با ایران در برقراری امنیت انرژی جهانی تأثیرگذار باشد. دخالت‌های آمریکا و دولت‌های غربی در بازارهای انرژی جهانی طی سال‌های گذشته، تهران و برلین را بر آن داشته است که همکاری مطمئن‌تری را برای تنظیم قیمت‌ها داشته باشند، به‌نحوی که منافع آن‌ها حفظ شود.

حمل‌ونقل و تجارت

یکی از راهکارهایی که بر اساس آن دولت‌های خواهان ایجاد موازنه نرم از آن بهره می‌گیرند، تقویت قدرت و روابط اقتصادی است. در این راه ایجاد بلوک‌های اقتصادی بدون حضور قدرت هم‌مون و بالا بردن رشد اقتصادی و تجاری می‌تواند سودمند باشد. مشخص‌ترین شیوه انجام این امر از طریق بلوک‌های تجاری منطقه‌ای است که به رشد اقتصادی و تجاری اعضا در عین محرومیت غیر اعضا می‌انجامد. چنانچه قدرت برتر از دایره این بلوک‌های تجاری منطقه‌ای حذف شود، نرخ رشد و تجارت نیز در طول زمان کاهش خواهد یافت (متقی ۱۳۸۷: ۳۲). داشتن مرزهای مشترک با دریای خزر در شمال و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، قابلیت دسترسی به بیش از ۵۸۰۰ کیلومترمربع نوار ساحلی راه برای ایران مقدور می‌سازد. خاورمیانه نیز به‌عنوان خاستگاه چند تمدن از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان و زادگاه سه دین بزرگ، نقش و نگاری غنی از زندگی انسان و سنن ریشه‌دار عرضه می‌کند. دخالت قدرت‌های فرمانطقه‌ای در معاملات خاورمیانه سبب پیچیدگی اوضاع شده و مکعب بحران را پدید آورده است؛ زیرا خاورمیانه تا قبل از نفوذ استعمارگران در آرامش به سر برده و ملت‌ها در تشریک‌مساعی مثال‌زدنی دوران طلایی تعامل با یکدیگر را سپری کردند. اشغال سرزمینی مناطق استراتژیک خاورمیانه توسط بیگانگان و به‌ویژه تأسیس رژیم صهیونیستی آغاز تنش‌های بی‌پایان در این منطقه شده است (کامروا ۱۳۸۸: ۲۷). در همین راستا ایالات متحده آمریکا آماده است تا دو منطقه از جهان را جدا کند و اعلام کرد که این دو منطقه، تأمین‌کننده اصلی انرژی موردنیاز قرن ۲۱ خواهند بود و کنترل بر این دو منطقه کنترل بر جهان می‌باشد. این دو منطقه عبارت‌اند از: خلیج فارس و دریای خزر (مجتهد زاده ۱۳۸۲: ۴).

عوامل تضعیف‌کننده روابط ایران و آلمان بر اساس نظریه موازنه تهدید استنفان والت

در کنار عوامل و فرصت‌های تقویت‌کننده می‌توان عوامل تضعیف‌کننده‌ای نیز در مناسبات دو کشور آلمان و ایران برشمرد که شامل نقش آلمان در دستیابی صدام به سلاح شیمیایی، حقوق بشر، برنامه

هسته‌ای ایران، حمایت آلمان از بعضی گروه‌های تروریستی، نقش ایالات متحده آمریکا در رابطه ایران و آلمان و وجود اختلاف نظر در روند صلح خاورمیانه می‌باشد که توجه به این عوامل و تلاش برای مدیریت این چالش‌ها در توسعه و ارتقای روابط دو کشور در آینده بسیار تأثیرگذار خواهد بود که عبارت‌اند از:

نقش آلمان در دستیابی عراق به سلاح شیمیایی

همکاری کشورهای غربی در جنایات شیمیایی رژیم صدام علیه ایران، موضوعی است که با وجود گذشت چند دهه همچنان قابل توجه است. آلمان طی دوران جنگ تحمیلی ساخت تأسیسات سعد ۱۶ و قطعات کارخانه شیمیایی سامره را در اختیار رژیم بعث عراق قرارداد و ضمن آن نیز در زمینه صنایع موشکی با بغداد همکاری کرد. تاکنون همکاری و حمایت شیمیایی کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و چند کشور غربی دیگر از عراق در جریان حمله رژیم بعث به ایران مستند شده است. مهم‌ترین کشوری که در این جنایت علیه بشریت با اهداف سودجویانه شرکت داشت، آلمان و شرکت‌های فعال در این کشور بودند. بر اساس آمار منتشرشده، شمار شرکت‌های آلمانی تأمین‌کننده تسلیحات شیمیایی رژیم صدام در جنگ با ایران، به رقم ۸۰ مورد رسید که نشان‌دهنده گستردگی این حمایت است. گزارش محققان عراقی در مورد همکاری شیمیایی رژیم صدام و شرکت‌های آلمانی با اشاره به ساخت تسلیحات شیمیایی با پول عراق و فکر آلمان، به طیف گسترده‌ای از این همکاری‌ها پرداخته است. از نظر تاریخی، آلمانی‌ها در کشف و تولید گازهای سمی کُشنده مورداستفاده در جنگ، استادانی بی‌رقیب بوده‌اند. گاز خردل که توسط دانشمندان آلمانی کشف و نخستین بار در سال ۱۹۱۷ مورداستفاده قرار گرفت، از آن جمله است.

گذشته از دانشمندان و کادر شیمیایی دولت آلمان که با رژیم بعث همکاری داشتند، مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شرکت‌های آلمانی مشارکت‌کننده در تأمین تسلیحات شیمیایی دولت وقت عراق عبارت‌اند از:

کارل کولب^{۱۷} سرانجام شش خط تولید سلاح شیمیایی جداگانه به نام‌های احمد، عانی، محمد، عیسی، مدار و قاضی ایجاد کرد؛ بدین ترتیب که اولی را در سال ۱۹۸۳ و آخرین آن را در سال ۱۹۸۶ تکمیل کرد؛ این کارخانه از گاز خردل و اسید پروسیک^{۱۸} تا گازهای عصبی سارین^{۱۹} و تابون^{۲۰} را تولید می‌کرد (خبرگزاری دفاع مقدس، ۲: ۱۳۹۷). در واقع بخش عمده‌ای از همکاری شیمیایی این شرکت با رژیم صدام، همکاری با مرکز تحقیقات و مطالعات ابن هیثم تأسیس شده در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی بود که در زمینه آزمایش و تولید گازهای سمی قدیمی و جدید کار می‌کرد. همان‌طور که گفته شد شرکت کارل کولب علاوه بر همکاری تحقیقاتی در زمینه گازهای شیمیایی با عراق، بر اساس گزارش محرمانه آگوست

واکاوای مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده برزونی

۱۹۹۰ وزیر اقتصاد آلمان غربی، تجهیزات مهمی در زمینه ایجاد کارخانه‌های کوچک صنعتی به عراق صادر کرد. این کارخانه‌های کوچک مستقیماً در ساخت پروژه شیمیایی سعد و ساخت مجتمع نظامی در التاجی^{۲۱} مشارکت داشتند. این شرکت از سال ۱۹۸۵ تاکنون تحت پیگرد قضایی و قانونی قرار دارد اما همواره همکاری شیمیایی گسترده با رژیم بعث را باوجود اسناد مختلف رد کرده است. شش شرکت آلمانی نیز برخی تجهیزات موردنیاز عراق را برای ساخت سلاح‌های میکروبی سم بوتولین^{۲۲} و مایکوتوکسین^{۲۳} تهیه کردند.

حقوق بشر

مسأله حقوق بشر یکی دیگر از موارد اختلاف غرب با تهران بود که آلمان هم از آن تبعیت می‌کرد. این مسأله مشکلات چندین‌ساله را باعث شد. نهایتاً طرفین توافق کردند اجرای حقوق بشر در اسلام و مسیحیت موردبحث قرار گیرد. حقوق بشر از جمله مسائلی هست که در گفتگوهای انتقادی و سازنده آلمان با ایران بخش عمده‌ای از گفتگوها را به خود اختصاص خواهد داد مانند قضیه سلمان رشدی و یا دادگاه میکونوس^{۲۴} که مورد انتقاد آلمان از وضعیت حقوق بشر در ایران است و می‌توان گفت در آینده مناسبات سیاسی ایران و آلمان نیز تأثیرگذار خواهد بود. صدور فتوای امام خمینی (ره) علیه سلمان رشدی، نویسنده هندی تبار انگلیسی، که به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام اهانت کرده بود، اعضای اتحادیه اروپا، که آلمان هم جزء آن بود، بیانیه اعتراض‌آمیزی صادر نمودند و سفرای خود را از تهران احضار کردند که خروج سفیر آلمان از ایران را نیز شامل می‌شد.

وجود اختلاف نظر در روند صلح خاورمیانه

اختلاف نظر سیاسی عمده ایران و آلمان به موضوع اسرائیل و فلسطین مربوط می‌شود. جمهوری اسلامی ایران بر اساس معیارهای اسلامی و اصول بین‌المللی موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومت صهیونیستی را حکومت غاصب و متجاوز به حقوق فلسطینیان می‌داند، درحالی‌که آلمان روابط بسیار صمیمانه و گرمی با اسرائیل دارد. این کشور انتظار دارد جمهوری اسلامی ایران از مخالفت با صلح خاورمیانه دست بردارد و از حزب‌الله لبنان حمایت نکند. این درحالی است که مردم لبنان حامی حزب‌الله هستند و قدرت رزمی و تدافعی واقعی خود را در حزب‌الله می‌دانند. آلمان باوجود توقعاتی که در این موارد از ایران دارد در حل مسائل ایران هیچ‌گونه کمک و مساعدتی نکرده است؛ به‌ویژه در قضیه چهار نفر دیپلمات‌های ایرانی که به‌وسیله ایادی اسرائیل در لبنان دستگیر شده‌اند و از سرنوشت آن‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست و بعضی شواهد نشان می‌دهد که در اختیار اسرائیل هستند، آلمان که روابط صمیمانه‌ای با اسرائیل دارد برای آزادی آن‌ها اقدامی نکرده است. این درحالی است که جمهوری اسلامی

برای آزادی گروگان‌های آلمان در لبنان بسیار تلاش کرد.

برنامه هسته‌ای ایران

در زمان محمدرضا شاه پهلوی دو نیروگاهی که آلمانی‌ها در صدد ساخت آن در بوشهر بودند متوقف شد چراکه با پیروزی انقلاب اسلامی و در طول جنگ تحمیلی تاسیسات موجود در آن‌ها چندین بار مورد حمله هوایی صدام حسین قرار گرفت. در سال ۱۹۸۸ پس از جنگ، ایران خواستار ادامه کار از سوی آلمانی‌ها در بوشهر شد که آن‌ها تحت فشار آمریکا از ادامه همکاری هسته‌ای با ایران انصراف دادند. در نتیجه قراردادی با روسیه برای به انجام رساندن کار نیروگاه بوشهر امضا شد. در دور جدید مذاکرات، آلمان در قالب تروئیکای اروپایی برای حل و فصل دیپلماتیک برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ خود را درگیر این برنامه ساخت. در دوره بعد نیز در قالب گروه ۱+۵ به ایفای نقش پرداخت و همچنان نیز ادامه دارد (سنایی، ۱۳۹۴: ۱۲).

حمایت آلمان از بعضی گروه‌های تروریستی

یکی از مواردی که می‌تواند در آینده مناسبات آلمان و ایران تأثیرگذار باشد موضوع گروهک پژاک^{۲۵} است که سران آن به‌رغم انجام عملیات تروریستی مکرر در مرزهای غربی ایران، به‌عنوان شهروند آلمان در این کشور زندگی می‌کنند. دولت ایران ممانعت از فعالیت این گروه تروریستی را از دولت آلمان خواستار شده است (شفیعی و رضایی، ۱۳۹۱: ۵۴۸).

نقش ایالات متحده آمریکا در رابطه ایران و آلمان

ایالات متحده آمریکا از گذشته در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اروپایی از جمله آلمان تأثیرگذار بوده است. از این‌رو کاهش تنش در مناسبات ایران و آمریکا می‌تواند در توسعه و ارتقای مناسبات ایران و آلمان نیز اثرگذار باشد (سنایی، ۱۳۹۴: ۱۳). در مسأله استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی، آلمان هماهنگ با آمریکا و دیگر دول اروپاست. آلمان با قراردادن ایران در فهرست اچ از صدور کالاهایی که کاربرد نظامی داشته باشد به ایران خودداری می‌کند. با همین بهانه آن دولت شرکت‌های آلمانی را از تکمیل پروژه شهید رجایی در قزوین، که سموم گیاهی تولید خواهد کرد، بازداشته است. این در حالی است که همین شرکت‌های آلمانی مواد شیمیایی را در دوران جنگ عراق علیه ایران در اختیار صدام جنایتکار گذاشتند و هزاران نفر را بیمار ساختند.

نتیجه‌گیری

پس از جنگ جهانی دوم، آلمان نیاز داشت محصولات صنعتی خود را بفروشد و مواد اولیه وارد کند

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده‌برزونی

و ایران می‌توانست از تامین‌کنندگان مهم منابع اقتصادی آلمان باشد. با این رویکرد، رفت‌وآمدهای سیاسی و اقتصادی نمایندگان این کشور به ایران افزایش یافت. در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کشورهای اروپایی و در راس آن‌ها کشور آلمان نقش ایران را در سطح منطقه‌ای پذیرفته‌اند و سرمایه سیاسی کشورمان در منطقه دیگر قابل کتمان نیست و ایران نیز بر اساس احترام متقابل و با تأکید بر اقتدار خود در صحنه بین‌المللی از بهبود رابطه با این کشورها استقبال می‌کند. هر چند نفوذ جریان‌های معاند ضد ایرانی در احزاب دولت ائتلافی آلمان به روشنی نشان می‌دهد که آنان تحت تأثیر القانات گروه‌های ضد ایرانی هستند و این القانات منجر به این شده است که رویکرد منفی دولت آلمان علیه کشور ما تقویت شود. هنگامی که عراق به ایران حمله کرد و جنگ دو کشور شروع شد، آلمان موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد. این دولت نیز مثل دیگر دول اروپا از اظهارنظر دربارهٔ متجاوز خودداری کرد. دولت آلمان کاربرد سلاح شیمیایی توسط رژیم صدام را محکوم کرد، با این حال تلاش می‌کرد تا روابط بازرگانی با هر دو کشور را حفظ کند. اقدام شرکت‌های آلمانی در فروش مواد اولیه به صدام، صدمات جبران‌ناپذیری به مبارزان ایران اسلامی در جنگ تحمیلی وارد ساخت. این مسأله ثابت کرد که بین سیاست بی‌طرفی اعلام‌شده و آنچه اتفاق افتاد تضاد کاملی وجود داشته است.

یافته‌های این مقاله با الهام گرفتن از نظریه موازنه تهدید استفان والت بر این پایه استوار است که در دوره سلسله پهلوی روابط نسبتاً رو به رشدی را شاهد هستیم، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یک رشته موضوعات اختلاف‌انگیز مانند نقش آلمان در دستیابی عراق به سلاح شیمیایی، حقوق بشر، وجود اختلافات بر سر روند صلح خاورمیانه، برنامه هسته‌ای ایران، حمایت از بعضی از گروه‌های تروریستی و نقش منفی آمریکا در مجموع منجر به عدم برقراری روابطی با ثبات میان طرفین گردید.

لذا پیشنهاد می‌گردد که با توجه به نقش مؤثر جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جایگاه آلمان در اروپا، دو کشور می‌توانند همکاری‌های سازنده‌ای در سطوح مختلف و به‌ویژه منطقه خاورمیانه ایفا کنند. نقطه ثقل سیاست‌های آلمان در قبال خاورمیانه از جمله ایران ثبات، امنیت، بهره‌برداری اقتصادی و حفظ وضع موجود بوده است. ایران در مقایسه با کشورهای تولیدکننده نفت و گاز پس از روسیه دومین کشور دارای بیشترین ذخایر نفت و گاز تثبیت‌شده در جهان می‌باشد. این جایگاه جهانی امکان بیشینه‌سازی امنیت ملی را از طریق اتخاذ استراتژی‌های مناسب مرتبط با امنیت انرژی فراهم می‌کند. ایران با موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود در قلب تقاطع ارتباطی خاورمیانه، آسیا و اروپا و به‌واسطه بهره‌مندی از ترتیبات نظام‌مند در حوزه تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، گمرک، مالیات و سرمایه‌گذاری به کشوری قدرتمند مبدل گشته است.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱

منابع

- ۱) آبادیان، حسین (۱۳۹۲)، ماهیت روابط اقتصادی آلمان و ایران از ۱۲۷۷ تا ۱۳۱۸، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره یکم، صص ۱۷-۱
- ۲) ازغندی، علیرضا (۱۳۸۷)، روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: نشر قومس، چاپ هشتم
- ۳) استوارت، ریچارد (۱۳۷۰)، در آخرین روزهای رضاشاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: انتشارات معین
- ۴) الهی، همایون (۱۳۸۸)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس
- ۵) جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ (۱۳۹۰)، درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان
- ۶) خبرگزاری دفاع مقدس (۱۳۹۷)، نقش آلمان در دستیابی عراق به سلاح‌های شیمیایی <https://defapress.ir/fa/news>
- ۷) خطیب شهیدی، رشید آرمین (۱۳۹۹)، سیاست خارجی آلمان و ایران دوره رضاشاه، ترجمه شهلا طهماسبی، تهران: نشر ققنوس
- ۸) دریایی، محمدحسن (۱۳۹۲)، مذاکرات هسته‌ای ۱+۵ توافق ژنو، تهران: انتشارات اطلاعات
- ۹) دویچ، کارل و دیگران (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی
- ۱۰) دهشیار، حسین (۱۳۹۱)، سیاست خارجی آمریکا، خاورمیانه و دموکراسی، تهران: خط سوم
- ۱۱) ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۲) سریع القلم، محمود (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز
- ۱۳) سنایی، اردشیر (۱۳۹۴)، روابط ایران و آلمان نگاهی به آینده، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاسی حقوقی دفتر مطالعات سیاسی
- ۱۴) سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۱۵) شفیعی، اسماعیل و مسعود رضایی (۱۳۹۱)، سیر تحول از مناقشه تا امیدواری در روابط ایران و آلمان، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر

واکاوی مناسبات ایران و آلمان از ابتدای پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی... / بیدگلی و رجبی ده‌برزویی

- ۱۶) عباسی، مجید (۱۳۹۲)، چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دوره پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- ۱۷) عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- ۱۸) قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ ۱۱، تهران: انتشارات سمت
- ۱۹) لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- ۲۰) کامروا، مهران (۱۳۸۸)، خاورمیانه معاصر، ترجمه محمدباقر قالیباف و سید موسی پورموسوی، تهران: نشر قومس
- ۲۱) متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک تعادل و موازنه نرم، مطالعه موردی: خاورمیانه در بین سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۱، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره یک، صص ۳۵-۸
- ۲۲) مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۲)، امنیت در آسیای باختری، شکل‌گیری ژئوپلیتیک طرح‌های نوین آمریکایی، گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی-راهبردی، سال چهارم، شماره ۳۵، صص ۱۲۲-۱۰۳
- ۲۳) مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات همایش سیاست خارجی ایران در خاورمیانه، تهران: دانشگاه تهران
- ۲۴) نیلی، مجید و مصطفی مالکی (۱۳۹۹)، حضور آلمان در برجام، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، صص ۱۷۰-۱۳۱
- ۲۵) وشمه، علی و سهیلا ترابی فارسانی و ناصر جدیدی (۱۳۹۵)، نقش صنایع آلمانی در نوسازی صنایع ایران در دوره رضاشاه پهلوی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تاریخ، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۶۸-۱۴۹
- ۲۶) هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: نشر پیکان

- ۱ Yalmar Schacht
- ۲ Asmand
- ۳ Kenneth Waltz
- ۴ Neorealism
- ۵ Auto Blao
- ۶ Wasmos
- ۷ Lindenblatt
- ۸ Schneewind
- ۹ Junkers
- ۱۰ Onion Matex
- ۱۱ Nimgar
- ۱۲ Hartonian
- ۱۳ Frusthal
- ۱۴ croup
- ۱۵ Siemens
- ۱۶ Chamberlain
- ۱۷ Karl Kolb
- ۱۸ prussic acid
- ۱۹ sarin
- ۲۰ Tabun
- ۲۱ Eltaji
- ۲۲ botulinum
- ۲۳ Mycotoxin
- ۲۴ Mykonos
- ۲۵ Pejak